

شبه علم علیه علم

دانش و علم پزشکی برخلاف ریاضی و مهندسی، قادر به تبیین صد درصدی نیست. همیشه قدری از خطا یا ناتوانی در شناخت بیماری و درمان آن در پزشکی وجود دارد و همین روزه‌ای است برای نفوذ خرافات و افراد کلاهبردار. از سوی دیگر بشر از ابتدا ساختمان و ابزار بسیط می‌ساخت که علم آن با عقل متعارف قابل درک بود ولی برخلاف آن از بدو تمدن که نیازمند درمان بوده و برای آن فعالیت کرده، درکی علمی از بدن و عوارض و بیماری‌های آن نداشته است و هر تصویری هم داشته اکنون معلوم است که شبه علم بوده ولی در برخی و به صورت تجربی شیوه‌های به نسبت موثری پیدا کرده و البته در اغلب موارد نیز نتوانسته است، هر چند به صورت خود به خود درمان شده و آن را به حساب روش درمان یا شبه داروی تجویزی خود گذاشته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: باورکردنی نیست که عده‌ای متقلب و فریبکار به جان سلامتی و بهداشت مردم بیفتند و تحت عناوین پرطمطراق و پوچ مثل طب سنتی و اسلامی و ایرانی در فضای مجازی جولان دهند یا مردم را گمراه یا سرکیسه کنند یا هر دو.

جالب اینکه همه اینها خلاف بدیهیات حقوقی و مستوجب مجازات است، ولی دریغ از وجود یک دادسرای حساس نسبت به امور پزشکی و بهداشتی تا به حساب این جماعت برسد. البته دادسرای نظام پزشکی هست ولی صرفاً می‌تواند به شکایاتی که از پزشکان می‌شود، رسیدگی کنند و با توجه به پزشک نبودن این شایدان اختیارات انتظامی نظام پزشکی برای مواجهه با آنها کافی نیست. در واقع دادسراهای عادی باید سراغ این مجرمین بروند.

تاسف‌بارتر اینکه برخی رسانه‌های رسمی نیز مستقیم یا غیرمستقیم از این جریان حمایت می‌کنند و مقامات وزارت بهداشت و درمان نیز به جای دفاع از حریم علم و مخالفت با این متقلبان یا سکوت کرده یا به شکل دیگری با برخی از مطالبات آنان همراهی می‌کنند. آخرین نمونه این است که ظاهراً rlm& تعرفه انداختن هر زالو ۸۰ هزار تومان، ۱۰ زالو در یک جلسه ۸۰۰ هزار تومان که سوای ۲۰۰ هزار تومان ویزیت است. در مقابل تعرفه پزشک عمومی ۱۲۰ هزار تومان معادل یک ونیم زالو! تعیین شده است. برای فهم ماجرا کافی است به برخی تجویزهای عجیب که توسط روحانیت مدعی طب اسلامی و نیز برخی افراد دیگر در فضای مجازی مطرح شده توجه کنیم. ادعاهایی که دخالت در امر پزشکی و سلامت مردم و جرم مسلم است.

- استفراغ عمدی روزانه یک‌بار برای پیشگیری و درمان بیماری‌هایی مثل آنفلوآنزا و سایر بیماری‌ها در قفسه سینه
- مالیدن آب پیاز رنده شده یا آبلغوره و حنا به کف پا برای پایین آوردن تب
- مصرف گوشت گوساله برای بند آمدن خونریزی
- چکاندن عرق کاسنی و عسل در چشم برای بهبود بینایی و بی‌نیازی از عینک
- گرفتن ناخن و قرار دادن خرده‌های ناخن روی محل درد برای درمان درد سیاتیک
- دعوت به امتناع از واکسیناسیون به منظور پیشگیری از خطر همجنسگرایی!
- استفاده از گلاب به جای عطر به منظور دور کردن اجنه و جذب ملائک
- درمان اسهال شدید با مصرف داروی امام رضا(ع)
- لیس زدن و ریختن بزاق روی زخم برای التیام زخم
- نگاهداشتن دعا برای چشم زخم، چون این طب معتقد است که بیماری‌های خونی از چشم زخم منشا می‌گیرند
- کاشت دندان گوسفند یا انسان مرده به جای دندان خراب
- درمان لکه‌بینی با نشستن روی آجر داغ
- استفاده از روغن دنبان حرارت داده شده برای رفع مشکلات ریزش مو
- استفاده از عرق رازیانه و کاسنی برای درمان ضعف بینایی
- استعمال واژینال عسل و زاج سفید برای رفع مشکلات رحمی!
- استعمال مدفوع الاغ ماده برای برطرف شدن مشکلات تنفسی!
- استفاده از نوره (داروی نظافت) به همراه زرنیخ آرسنیک‌دار سمی برای درمان مشکلات پوستی
- تشخیص بیماری‌ها تنها با دیدن عکس زبان
- ادرار کردن روی جوشانده آب کلم قرمز برای تعیین جنسیت.

ریشه ماجرا در چیست؟ چرا کسانی وارد میدان مهندسی اسلامی و مثلاً ساخت یک برج ۲۰ طبقه با محاسبات اسلامی و با تکیه بر روایات جعلی نمی‌شوند؟ چرا مثلاً هواپیمای اسلامی و سنتی نمی‌سازند تا با آن به جو بروند یا از منظومه شمسی خارج شوند؟ البته در این موارد هم بیکار نمی‌نشینند. با معدن‌یاب و بعد کرونیاب می‌توانند اندکی را فریب دهند ولی خیلی سریع دست‌شان رو می‌شود. پس چرا در امر پزشکی و درمان چنین نیست و هر روز یک گام رو به جلو برمی‌دارند؟ حتی زالو انداختن را هم مشمول بیمه می‌کنند!! پاسخ به چند عامل برمی‌گردد. دانش و علم پزشکی برخلاف ریاضی و مهندسی، قادر به تبیین صد درصدی نیست. همیشه قدری از خطا یا ناتوانی در شناخت بیماری و درمان آن در پزشکی وجود دارد و همین روزه‌ای است برای نفوذ خرافات و افراد کلاهبردار. از سوی دیگر بشر از ابتدا ساختمان و ابزار بسیط می‌ساخت که علم آن با عقل متعارف قابل درک بود ولی برخلاف آن از بدو تمدن که نیازمند درمان بوده و برای آن فعالیت کرده، درکی علمی از بدن و عوارض و بیماری‌های آن نداشته است و هر تصویری هم داشته اکنون معلوم است که شبه علم بوده ولی در برخی و به صورت تجربی شیوه‌های به نسبت موثری پیدا کرده و البته در اغلب موارد نیز نتوانسته است، هر چند به صورت خود به خود درمان شده و آن را به حساب روش درمان یا شبه داروی تجویزی خود گذاشته است.

همین الان هم شبه دارو نقش مهمی در درمان دارد. برای مثال کسی که سرما می‌خورد، می‌گویند فلان چیز را بخور، اغلب آنان با خوردن آن پس از چند روز خوب می‌شوند، در حالی که ممکن است با نخوردن نیز خوب شوند یا با خوردن چیز دیگری هم خوب شوند. درستی این ادعاها را باید با شیوه علمی پاسخ داد که در گذشته شناخته شده نبود.

این وضعیت سهل و ممتنع بودن درمان و پزشکی موجب می‌شود که افراد کلاهبردار و مدعیان دروغین، رطب و یابس ببافند و هر چیزی را به هم ربط دهند.

یک علت دیگر رواج این بازی طب سنتی، جایگاه بالای حرفه پزشکی و درآمدهای خوب آنان است. هر چند پزشکان جدید به علل گوناگون فاقد این موقعیت هستند. این مساله موجب نوعی حسادت می‌شود و در ایران و با وجود زمینه‌های فرهنگی، گمان می‌کنند که دستمزدهای آنان زیاد است و نباید از مردم کم‌درآمد پول بگیرند. این برداشت دقیق نیست. گرچه و به طور قطع می‌توان مواردی از پزشکان را برشمرد که درآمدهای ناروا دارند و در برابر حرفه خود مسوولیت‌پذیر نیستند، اخیراً نوار گفت‌وگوی یکی از آنان نیز منتشر شده بود، ولی این مساله‌ای جداست.

پزشکی خدمتی گران است. کافی است که مسیر پزشک شدن یک نفر را با یک دیپلم عادی یا کارشناسی در رشته دیگر مقایسه کنید تا ببینید چقدر زحمت می‌کشد و چه اندازه تنش کاری را باید تحمل کند. این فشارها موجب شده که برخی از آنان عطای این حرفه را به بقای تحصیل در این رشته ببخشند. البته این تبلیغات علیه پزشکان مستثناست، زیرا همچنان بیشترین اعتماد مردم به گروه‌های اجتماعی و شغلی، به پزشکان است. متأسفانه این رویکرد غلط از سوی دولت و مقامات دولتی نیز تشدید می‌شود و با فشار به تعرفه‌های پزشکی به خیال خود می‌خواهند به سود مردم کار کنند، در حالی که در اصل به زیان آنها کار می‌کنند، و زیرساخت درمانی را تخریب می‌کنند. همچنانکه با قیمت‌گذاری در حامل‌های انرژی کشور را دچار بحران کرده‌اند عیناً همین کار را با خدمات پزشکی انجام می‌دهند. البته در نادرستی سیاست آنان همین بس که دستمزدهای مقامات دولتی بسیار بالاست در حالی که صلاحیت حرفه‌ای، سواد و تجربه و مفید بودن آنان از پزشکان بسیار پایین‌تر است.

علت دیگر فقر مردم است. در دنیا می‌کوشند که رابطه مستقیم میان بیمار و پزشک را با تقویت نهاد بیمه‌ای قطع کنند تا مشکل کم شود، در ایران بیمه‌ها نیز به محلی برای خالی کردن جیب مردم تبدیل شده‌اند و بیمار و پزشک را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهند. مردم فقیر که نتوانند هزینه درمان را تأمین کنند، راحت‌ترین کار را مراجعه به خرافات و دروغ‌ها می‌دانند.

در کنار این علل، باید به چند علت مهم دیگر نیز پرداخت. اول اینکه این کارها پوششی برای شیادی و با هدف کسب فالوئر و درآمد از طریق شبکه‌های مجازی است. پشت این شبه علم و مثلاً طب سنتی پول خوابیده است و دنبال درآمد هستند.

علت بعدی توطئه‌ای است که برای فراری دادن پزشکان از کشور و مهاجرت به خارج در جریان است. شاید برای تربیت یک پزشک حداقل یک میلیون دلار هزینه می‌شود، یکی از بهترین سازمان‌های پزشکی را داریم که در حال فراری دادن اعضای آن هستند. علت دیگر و مهم‌تر شبه علم است. یک جریان ضد علم در همه عرصه‌ها شکل گرفته است که می‌خواهد از طریق جایگزین کردن شبه علم به جای علم، هدف خود را که نابودی کشور است پیش ببرد و این کار را از طریق رواج شبه علم در پزشکی آغاز کرده است. ناآگاهی و خرافه‌پرستی و جهل، سمومی است که نیاز به واردات ندارد و صد درصد تولید داخل است و برای درمان بیماری‌های مردم تجویز می‌کنند ولی ثمره آن را نه در سلامت که در سیاست می‌چینند.

منبع: اعتماد